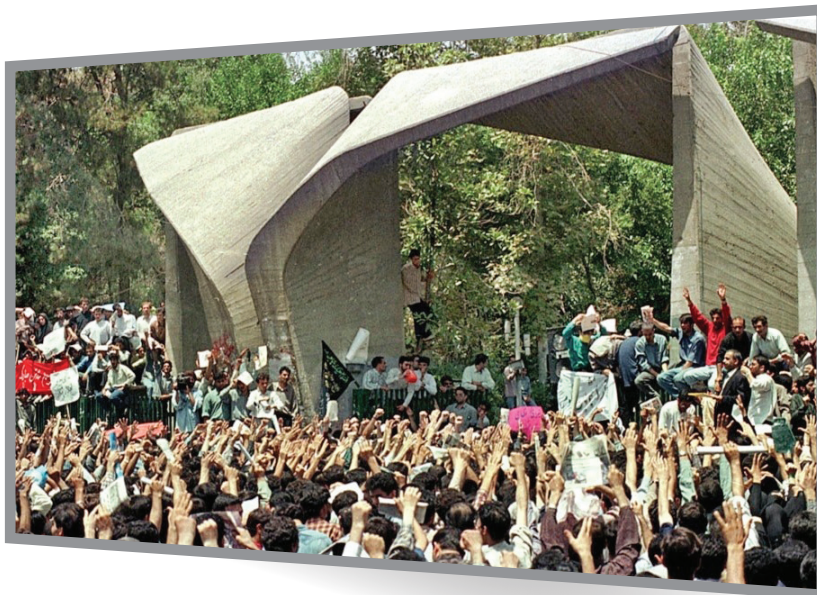




تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در جریان اعتراضات سال ۱۳۷۶



یکی از تجمعات دانشجویان پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶

چراکه بهانه برای بستن انجمن‌ها بیشتر فراهم بود. زمانی که فضا به آن سمت رفت، کارهایی که تنها یک جمع محدود توانایی انجام فعالیت‌ها را دارند، بر زمین باقی ماندند و کسی سمت آنها نمی‌رفت.

در فضای جامعه‌فعلی ایران چند درصد دانشجوی‌ها می‌توانند مقاومت کنند و زندان بروند؟ فعالیت‌های دانشجویی در این فضا به سمت تعداد محدودی از دانشجوی‌هایی که می‌توانند وارد این فعالیت‌ها شوند می‌رود و کار به جایی می‌رسد که نمی‌توانید از جنبش دانشجویی صحبت کنید و حتی جمع‌های کوچک سیاسی تشکیل می‌شود که با فضای عمومی دانشگاه‌ها فاصله دارند. اولین نقد این است که ما نتوانستیم جلوی رادیکال شدن را بگیریم، دانشگاه سنگر آزادی و دموکراسی بود و این سنگر فتح شد و دانشجوی‌ها ضربه خوردند. نقد بعدی این است که دانشجوی‌ها وارد فضای حرفه‌ای سیاسی شدند، چه در نقش پوزسیون و چه اپوزیسیون و چه حمایت از کاندیدا و یا تحریم انتخابات، اساساً در این جایگاه، فعالیت حرفه‌ای به این شکل در بین دانشگاه‌ها نبود. اینکه فکر کنید نوک پیکان دموکراسی خواهی هستند و همه باید به دنبال شما بیایند و اگر نیایند از آنها عبور می‌کنید، از آقای خاتمی و دکتر بزدی و مهندس سحابی عبور کنید و بیکاره می‌بینید از همه عبور کردید و پشتیبان و پایگاه اجتماعی ندارید. این‌ها آسیب‌های زیادی دارد، چه جایی که می‌خواستند در انتخابات شرکت کنند و لیست دهند و چه زمانی که می‌خواستند لیست ندهند.

نقد دیگر عدم تناسب فرم و محتوا است. دبیر انجمن اسلامی چپ مارکسیست بود و این موارد هم آسیب زد. درست است که اجازه نمی‌دهند چه‌ها تشکل داشته باشند اما این توجیه نمی‌کرد که در جایگاه انجمن اسلامی قرار بگیرند و باعث شوند آنها هم تعطیل شوند. در حالی که این انجمن‌های دانشجویی می‌توانستند کمک‌کننده باشند. ما در چند مقطع ضربه خوردیم، دانشجوی‌ها می‌توانستند در فضای دانشگاه فعالیت رسمی داشته باشند. تشکل‌های دانشجویی باید گفت‌وگوی جمعی کنند و تجربه گفت‌وگوی مردمی و جمعی را داشته باشند و این‌ها اصيل‌ترین و اولین تجربه‌های جمعی یک دانشجوی جوان می‌تواند باشد و تأثیرگذار هم باشد. این امکان از دانشگاه گرفته شد و به سمت کارهایی رفت که ممکن است بعد از چند سال نتیجه هم نداشته باشد. در دوره احمدی‌نژاد تشکل‌ها بسته شد، در دوره آقای روحانی تشکل‌های جدید تشکیل شدند، در سال ۹۸ و بعد از ۱۴۰۱ دوباره برخی تشکل‌ها بسته شدند و الان در دوره آقای پزشکیان اگر بخواهند انجمن‌ها را دوباره احیا کنند، از یک طرف دانشجوی‌ها، آنها را به رسمیت نمی‌شناسند و از طرفی دانشگاه هم آنها را به رسمیت نمی‌شناسد. الان اگر کسی بخواهد تشکلی راه بیندازد هم از طرف دانشگاه طرد می‌شود و هم از طرف وزارت علوم؛ و این آسیب‌زا است.

▼ دانشگاه بنگاهی، تهدیدی برای عدالت خواهی

مهدیه گلرو، فعال دانشجویی دهه ۸۰: ابتدا اشاراتی به برخی صحبت‌های دوستان خواهم داشت و سپس به بحث کالایی‌سازی آموزش ورود خواهم کرد.

دوره رادیکال سال‌های ۷۸ تا ۸۸ زمانی است که همه انجمن‌های اسلامی به عنوان تشکل‌های دانشجویی هنوز هستند اما دانشجوی‌ها دیگر در آن پوسته و قالب نمی‌گنجند. من در سال ۸۲ وارد دانشگاه علامه شدم و در آن سال‌ها در انتخاباتی که برگزار می‌شد، چهره‌های فراوانی بودند که جزو گروه‌های چپ بودند و در دانشگاه علامه ۵۰ درصد دانشجوی‌ها از طیف چپ بودند. در آن زمان صف‌های طولانی در دانشکده‌ها شکل می‌گرفت که بخواهند در انتخابات شرکت کنند و به دانشجوی‌ها رای دهند و انجمن‌های اسلامی تشکیل نشود، اما خارج از چارچوب انجمن اسلامی بود. درست است که انجمن‌های اسلامی نهادهای تاریخی بودند، اما وظیفه تاریخی آنها هم مقابله با دانشجویان بود و اتفاقاً با تکامل جنبش دانشجویی بعد از دهه ۶۰ به مرور این موقعیت تغییر کرد و انجمن‌های اسلامی تبدیل به نهادهای

شدند که در دانشگاه‌ها مطالبه‌گری می‌کردند. اگر مسئله این باشد که کارکرد آن ظرف را تغییر داده باشیم به نظم اقدام درستی بود، چرا که آن ظرف انجمن در مقابل دانشگاه بود. همان طیف رادیکال کاری کرد که عبارت تحکیم وحشت تبدیل به تحکیم وحدت شود و در دانشگاه‌ها اینگونه شود که صف‌هایی برای شرکت در انتخابات ایجاد شود. در دوره‌هایی که من دانشجوی بودم، فعالیت‌های دانشجویی معنادار بود و بی‌انصافی است که بگوییم طیف رادیکال‌تر دانشجویان امکان این تشکل‌ها را در دانشگاه گرفتند. آقای بهار از عبارتی استفاده کرد مبنی بر اینکه فضای دانشگاه که رادیکال شد این امکان از جنبش دانشجویی گرفته شد. این موضوع من را یاد عبارتی انداخت که زمانی که اسرائیل به اوین حمله کرد، می‌گفتند به اوین حمله شد و تعدادی کشته شدند چرا که نمی‌خواستند نام اسرائیل را بیاروند و بیانیه‌های عجیب و غریب می‌دادند. در واقع اینکه چطور این اتفاق رخ داد را نمی‌گفتند و این موضوع من را یاد این انداخت که فضا رادیکال شد اما چه کسی فضا را رادیکال کرد؟ حتی درباره عبور از آقای خاتمی هم این چهره‌های سیاسی مطرح اصلاح‌طلب بودند که شروع کردند به طرح این مسئله و از دانشگاه شروع نشد و بخشی از اصلاح‌طلب‌ها این کار را شروع کردند. نکته دیگری هم درباره حضور زنان در فعالیت‌های دانشجویی باید اشاره کنم؛ از نظرم زن فعال دانشجویی بودن در یک ساختار مردسالار و مردانه سخت است. زمانی که من دانشجوی بودم با وجودی که ۶۰ درصد دانشجوی‌ها زن بودند، اما من تنها زن در انجمن بودم و این موضوع، کار را برای من سخت‌تر می‌کرد و فکر می‌کنم الان هم، همان فضا وجود دارد.

یکی از دلایلی که جنبش دانشجویی امروزه متفاوت از دهه‌های گذشته است مسئله کالایی‌سازی آموزش است. این موضوع بر بحث اینکه الان چرا جنس جنبش دانشجویی از دوران قبل متفاوت است اثرگذار است. ما همه تجربه دانشگاه را اینجا داریم، اما چیزی که الان بر سر دانشگاه‌ها می‌آید فاجعه‌بار است. حضور پررنگ رتبه‌های برتر از مدارس غیرانتفاعی حاکی از طبقاتی شدن تحصیل است. همیشه بار تغییر بر دوش طبقه متوسط است، اما الان درباره جنبش دانشجویی حرف می‌زنید که با آموزش طبقاتی هم‌زمان است. جامعه دانشجویی بخش متوسط خود را از دست داده است و آموزش را از یک حق عمومی به کالا تبدیل می‌کند و کسانی که در این فضا هستند با منطق بازار آشنا هستند و می‌دانند چیزی که تبدیل به کالا شود، کارکردهای آن تغییر می‌کند. در چنین ساختاری دیگر نمی‌توان درباره دانشجوی مطالبه‌گر صحبت کرد، صحبت درباره مشتری است که در دانشگاه حضور دارد. دانشگاه تبدیل به یک بنگاه اقتصادی می‌شود و خود آموزش هم به یک سرمایه تبدیل می‌شود که قرار است ارزش افزوده برای بازار کار ایجاد کند و آن چیزی است که جامعه ایران امروز با آن دست به گریبان است. دانشگاه‌های خصوصی با عنوان دانشگاه بین‌المللی بروز و ظهور فراوانی دارد. مسئله این است که مگر می‌تواند؟ چند وقت پیش با یکی از اساتید صحبت می‌کردم و درباره تغییر جنس تحصن‌های دانشجویی سخن می‌گفتند که الان تبدیل شده است به تحصن برای تأمین فضای پارکینگ دانشجویی. آیا این طبقه همان مطالبه‌گری را دارد که دانشجوی دهه هشتاد داشته است؟ پیامد چنین موضوعی را امروز می‌توانیم در جنبش‌های دانشجویی ببینیم. خاستگاه جنبش دانشجویی همیشه عدالت بوده است و حالا چنین شرایطی نمی‌توان انتظار وجود دانشجوی به مثابه یک شهروند منتقد و مطالبه‌گر را داشت.

▼ جنبش دانشجویی وجدان بیدار جامعه

فرخ نگهدار، فعال دانشجویی دهه ۴۰: آن زمان که ما دانشجوی بودیم، به نوعی دوره تنفس بود و از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ یک نوع فضای باز سیاسی ایجاد شده و تمام شده بود. اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی در زندان بودند، اتفاقات ۱۵ خرداد رخ داده بود و نقطه عطفی ایجاد شده بود که دیگر راه‌های سیاسی برای مقابله با استبداد جواب نمی‌دهد. وقتی در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه



زنان در فسادستیزی از مردان جلوترند

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار اعضای فراکسیون زنان مجلس که به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا (س) برگزار شد، ضمن تبیین جایگاه مدیریتی بانوان، با آسیب‌شناسی نگاه حاکم بر مدیریت کشور گفت: «یکی از اشکالات اساسی این است که ما مردان می‌خواهیم برای حوزه زنان تصمیم‌گیری کنیم و غالباً به موضوع زنان در جامعه به عنوان یک «مسئله» نگریسته‌ایم، نه یک «فرصت». وی با اشاره به تجربیات اجرایی خود، به مقایسه عملکرد مدیریتی زنان و مردان پرداخت و تصریح کرد: «تجربه نشان داده است که زنان با فاصله قابل توجهی نسبت به مردان، فسادستیزتر هستند و در شاخص‌هایی نظیر سلامت اداری، شفافیت و اثرگذاری مدیریتی، عملکرد به مراتب موفق‌تری دارند.» قالیباف در بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» اشاره کرد و با انتقاد از طولانی شدن روند بررسی آن گفت: «این لایحه ۱۵ سال است که معطل مانده و باید هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف شود. رهبر معظم انقلاب نیز اخیراً در بیان‌اتشان صریحاً نسبت به خشونت علیه زنان هشدار داده‌اند؛ بنابراین نباید درگیر بحث بر سر واژگان شویم، بلکه باید قانون را به سرانجام برسانیم.» وی همچنین با اشاره به آمار ۵ میلیون زن سرپرست خانوار در کشور افزود: «بسیاری از زنان مسئولیت کامل اداره زندگی را بر عهده دارند؛ از این رو ما نیازمند قوانین «صریح» و «قاطع» برای حمایت از آنان هستیم. مجلس تمام‌قد در کنار فراکسیون زنان ایستاده است تا این مسائل، از جمله موضوع مهریه و حقوق بانوان را در چارچوب قانون حل و فصل کند.» رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه به نقش محوری زنان در نهاد خانواده پرداخت و اظهار داشت: «اگر نقش بانوان در جامعه حیاتی است، اما معنای زندگی مؤمنانه، حرکت دوشادوش زن و مرد است. خداوند به زنان قدرتی عطا کرده که طبق تعبیر رهبر انقلاب، آنان ستون، فرمانده و محور خانواده هستند.» وی همچنین با بیان اینکه هیچ کاری مهم‌تر از خودسازی انسان نیست، خاطرنشان کرد: «آرامش در خانواده پیش‌شرط سعادت است و هیچ عذاب‌بی برای یک مرد بالاتر از آن نیست که در منزل آرامش نداشته باشد. این آرامش و استحکام، موهن و ویژگی‌های ذاتی و مدیریتی بانوان است.»



کاهش بودجه فرهنگی منطقی نیست

حسن اخلاقی امپری، نماینده مردم مشهد و کلات در گفت‌وگو با مهر با انتقاد از زرمزهای مربوط به کاهش یا حذف بودجه فرهنگی، گفت: «فرهنگ نه هزینه بلکه سرمایه‌گذاری راهبردی برای آینده کشور است و این رویکردها با سیاست‌های رسمی دولت و برنامه توسعه هفتم تناقض دارد.» وی با اشاره به طرح برخی جریان‌ها برای کاهش یا حذف بودجه نهادهای فرهنگی بیان کرد: «این رویکردها با سخنان رسمی دولت درباره ضرورت فرهنگ‌سازی و تقویت فعالیت‌های فرهنگی تناقض دارد. محور توسعه، رشد و ارتقای کشور در دنیا توجه به فرهنگ است. کشورهایی مانند ژاپن ابتدا فرهنگ را تقویت کردند و سپس در عرصه‌های اقتصادی رشد یافتند.» وی درباره احتمال کاهش بودجه فرهنگی به بهانه چابک‌سازی ساختارها گفت: «چابک‌سازی به معنای کاهش بودجه نیست. این یکی از واژگان مهم در برنامه توسعه هفتم است و رئیس جمهور نیز اجرای این برنامه را پذیرفته است. چابک‌سازی یعنی بهره‌وری سازمان‌های دولتی بالا برود، ساختارها بر اساس مأموریت‌ها بازآرایی شوند و هزینه‌تراشی‌های بی‌مورد حذف شود؛ نه اینکه بودجه فرهنگ کم شود. مجلس ابزارهای نظارتی لازم را برای جلوگیری از هرگونه استناد نادرست به چابک‌سازی جهت کاهش بودجه فرهنگی در اختیار دارد.»